



# جای مردان سیاست بنشائیم درخت

مرگ و خشکیدن یک رودخانه و تالاب را می‌بیند و حرفی نمی‌زند، کسی که بریدن درخت سبزی را می‌بیند و فریادی نمی‌زند، کسی که کشتن یک گنجشک را می‌بیند و از جانش دفاعی نمی‌کند، قطعاً در برابر نابودی ساختار اخلاقی جامعه خود و مرگ انسانیت و عدالت و آزادی نیز خاموش و بی تفاوت خواهد بود و همواره تماشاگری بی روح و بی احساس باقی خواهد ماند. شریف‌ترین اعضای یک جامعه کسانی هستند که از ضعیف‌ترین اعضای جامعه خود دفاع و حمایت می‌کنند. جامعه ما امروز بیش از آنکه به مبارزین و فعالین سیاسی نیاز داشته باشد، به مبارزین و فعالین اخلاقی نیاز دارد. نقطه آغاز اخلاق انسانی هم محبت کردن به زمین و دفاع از بی پناه‌ترین و ضعیف‌ترین ساکنان زمین است و اولین نشانه عشق به زمین، کاشتن درخت است. سهراب سپهری سالها پیش گفته بود: جای مردان سیاست بنشائیم درخت، تا هوا تازه شود.

عبداللطیف عبادی

سالهای سال است که هر روزم را باید با شنیدن خبری از نابود شدن طبیعت مملکت‌م و ویران شدن بخشی دیگر از میراث فرهنگی سرزمینم آغاز کنم، آنچنان که دیگر از آغاز کردن روزها بیزارم. یک عمر در میان خبرهای سیاسی و دنیای سیاست غرق بودم، و اکنون بیش از هر چیز دیگری نگران محیط زیست ایران هستم. کم نیستند کسانی که می‌گویند پرداختن به طبیعت و دفاع از جانوران و درختان و دشت‌ها و رودخانه‌ها و دریاها و کوه‌ها و جنگل‌ها و شکوه بازمانده از گذشتگان و آثار تاریخی و فرهنگی مان، نوعی رهبانیت روحی و گریز از مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی است. اما این حرف خطاست. در زندگی ام به تجربه آموختم که احساس تعهد اجتماعی از احساس تعلق اجتماعی شروع می‌شود. احساس تعلق اجتماعی یعنی دوست داشتن و محبت کردن به سرزمین و طبیعتی که در آن زندگی می‌کنیم و حمایت کردن از ضعیف‌ترین اعضای جامعه خود و سخن گفتن از طرف کسانی که قادر به سخن گفتن نیستند. کسی که